

## مهمان سردبیر: سیاست نوآوری تحول آفرین: فجری کاذب یا صبحی صادق؟

جهان امروز با چالش‌های کلان و درهم‌تنیده در حوزه‌های انرژی، آلودگی، آب و حمل‌ونقل مواجه است. در این راستا جهت‌دهی به سیاست‌های نوآوری در راستای اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی در چارچوب توسعه ابرانگاره تغییر تحول‌آفرین بازتاب یافته است. با این حال تمایز ابرانگاره نوظهور از ابرانگاره‌های پیشین نسبتاً دشوار است و بر این اساس برخی پژوهشگران بر امکان توسعه سیاست‌های تحول‌آفرین ذیل ابرانگاره نظام نوآوری تاکید کرده‌اند. برای پاسخگویی به شکاف پژوهشی مذکور، ما ضمن بررسی این ابرانگاره نوظهور، به دلالت‌های سیاستی زیر دست یافتیم:

(۱) علی‌رغم نقش انکارناپذیر فناوری در جوامع مدرن، تغییرات فناورانه به تنهایی قادر به مقابله موثر با چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی نیستند و تحولات مطلوب نیز با شتاب چالش‌های کلان رخ نمی‌دهند. در این راستا با تردید در بی‌طرفی ذاتی نوآوری، توجه به تحولات اجتماعی ناشی از فعالیت‌های نوآورانه و پیامدهای آن برای پایداری محیطی و اجتماعی می‌بایست در کنار ظرفیت اقتصادی نوآوری مورد تاکید قرار گیرد. بر این اساس حکمرانی فعالانه اجتماعی و زیست‌محیطی با تکیه بر مزایای بالقوه نوآوری ضروری است.

(۲) تحول نتیجه هم‌تکاملی تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فناورانه، زیست‌محیطی و نهادی در سطوح گوناگون است. بر این اساس تحول بنیادین نیازمند بروز تغییرات در سطح کلان نظام‌های فنی - اجتماعی می‌باشد. در این راستا چارچوب‌بندی مسئله فراتر از محصولات، فرآیندها یا فناوری‌های منفرد بوده و تحولات هدفمند در ابرانگاره‌های فنی - اقتصادی رایج و معماری‌های سیستمی ضروری می‌باشد. علی‌رغم اهمیت اساسی شکست‌های بازار و سیستم، توجه به ماهیت گسترده، بلندمدت و بنیادین فرایند تحول منجر به شناسایی شکست‌های بنیادین‌تری می‌شود که شامل شکست جهت‌گیری، تصریح تقاضا، هماهنگی سیاستی و بازتابندگی می‌باشد. لذا دانش سطح کلان در خصوص پویایی تحولات ابرانگاره باید با دانش سطح خرد از فرآیندهای شبکه مشارکت‌کننده در توسعه نوآوری ترکیب شود.

(۳) در فرایند تحول، علاوه بر ترویج کنام‌های نوین، تضعیف رژیم فعلی به منظور ایجاد تغییرات سریع‌تر و توسعه پنجره‌های فرصت برای ظهور جایگزین‌های امیدوارکننده ضروری است. در این راستا با توجه به نقش ساختار عمیق رژیم‌های اجتماعی و فنی در بازتولید نظام کنونی، پیکربندی مجدد قوانین نهادی، حذف حمایت‌های فعلی از فناوری‌های فعلی و اعمال سیاست‌های کنترل در صنایع بالغ بی‌ثباتی را تسریع می‌نماید. البته به فراخور ناسازگاری و مقاومت ساختار عمیق فعلی در برابر تغییرات، تحولات رادیکال می‌بایست در مراحل تدریجی و گام‌هایی کوچک دنبال شوند.

بر این اساس علی‌رغم توسعه نظری و انتقادی ابرانگاره تغییر تحول‌آفرین، ضعف در ارائه پیشنهادها سیاستی واضح و کاربردی در این ابرانگاره مشهود است و لذا نگرش بدیع ابرانگاره نوظهور می‌بایست با توسعه بعد عملیاتی آن تقویت گردد.

مهدی فاطمی

دکترای سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس